

بررسی نقش صنایع کوچک بر بهبود معیشت خانوارهای روستایی (بررسی موردی: شهرستان‌های سیروان و چرداول - استان ایلام)

جواد علی‌بیگی، دکتر حسین مهدی‌زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۲

چکیده

این تحقیق به بررسی نقش صنایع کوچک بر سرمایه‌های معیشتی خانوارهای شاغلان در این نوع از صنایع در دو دوره زمانی قبل و بعد از اشتغال و همچنین غیر شاغلین در محدوده شهرستان‌های سیروان و چرداول با رویکرد معیشتی پرداخته است. بنابراین، نقش صنایع کوچک در ۲۰ روستای دو شهرستان که ۵۱ واحد صنعتی کوچک را در محدوده خود جای داده‌اند، بررسی شده است. بر اساس رابطه کوکران، از مجموع ۳۷۳ شاغل، ۱۸۹ نفر به عنوان حجم نمونه شاغلان برای پاسخگویی به پرسشنامه مربوط به دو دوره زمانی پیش و پس از اشتغال انتخاب شدند و همچنین از مجموع ۱۰۱۵۵ خانوار ساکن در دو شهرستان، ۳۷۶ سرپرست خانوار به عنوان حجم نمونه غیر شاغلین برای پاسخگویی به پرسشنامه مربوط به غیر شاغلان انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات پژوهش، از روش پیمایشی و تکمیل پرسشنامه، اسنادی و مصاحبه با شاغلان استفاده شده است. داده‌های گردآوری شده با استفاده از آزمونهای t، مان ویتنی و ویلکاکسون در نرم‌افزار SPSS تحلیل شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که به‌غیر از سرمایه طبیعی (میانگین پیش از اشتغال ۲/۳۲؛ پس از اشتغال ۲/۵۵)؛ میزان افزایش سرمایه‌های انسانی، مالی، اجتماعی، فیزیکی و کلی خانوارهای شاغل پس از اشتغال در صنایع کوچک (به ترتیب با میانگین ۳/۸۱، ۴/۳۴، ۳/۸۰ و ۳/۸۱) بالاتر از زمان پیش از اشتغال (به ترتیب با میانگین ۱/۷۱، ۱/۳۹، ۲/۳۲، ۲/۲۸ و ۲/۰۵) است و نیز استقرار صنایع کوچک در روستاهای شهرستان‌های مورد بررسی به‌غیر از سرمایه طبیعی (شاغلان با میانگین ۲۹۶/۵۵ و غیر شاغلان با میانگین ۲۷۶/۱۹)؛ تأثیر مثبتی بر سرمایه‌ها اعم از انسانی، مالی، اجتماعی، فیزیکی و کلی خانوارهای شاغل (به ترتیب با میانگین ۴۱۰/۵۶، ۴۳۴/۵۴، ۳۸۰/۷۴، ۳۵۹/۵۸ و ۳۷۴/۴۶) نسبت به خانوارهای غیر شاغل (به ترتیب با میانگین ۲۱۸/۸۸، ۲۰۶/۸۲، ۲۳۳/۸۷، ۲۴۴/۵۵ و ۲۳۷/۰۳) داشته است.

طبقه‌بندی JEL : R11

واژه‌های کلیدی: صنایع کوچک، رویکرد معیشتی، اشتغال، اقتصاد روستایی، شهرستان‌های سیروان و چرداول

^۱ به ترتیب: کارشناس ارشد پژوهشی دانشگاه ایلام و دانشجوی دکترای دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)، استادیار

دانشکده کشاورزی دانشگاه ایلام

مقدمه

در فرایند دگرگونی‌های اقتصاد روستایی در جهان، به نظر می‌رسد که در مناطق روستایی به تنهایی توانایی ایجاد تعادل در شاخص‌های اقتصاد روستاها و جمعیت این مناطق را ندارد و لزوم پرداختن به فعالیت‌های غیر کشاورزی و جست‌وجوی شیوه‌های نوین معیشت، بیش از پیش احساس می‌شود (مشیری و همکاران، ۱۳۸۳). این راهبردها و شیوه‌های نوین معیشتی ترکیبی از فعالیت‌ها هستند که مردم برای دستیابی به هدف‌های خود که همان امرار معاش است انتخاب می‌کنند؛ به عبارتی دیگر، فعالیت‌های معیشتی یا راهبردها، به ترکیبی از فعالیت‌ها و انتخاب‌هایی که مردم برای رسیدن به آرزوهای خود، در چارچوب دارایی‌ها، آسیب‌پذیری و نظامی که در آن زندگی می‌کنند اشاره دارد (چف، ۲۰۰۵). در بسیاری از مناطق روستایی، بقا و یا بهبود زندگی مردم، تنها با تکیه بر کشاورزی امکان‌پذیر نیست، بلکه داشتن طیف گسترده‌ای از راهبردهای معیشتی نیز لازم است (تهیم، ۲۰۰۶: ۱۳).

رویکرد معیشتی در بردارنده ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و دیگر جنبه‌هایی است که مستقیم و غیرمستقیم به دو صورت پیش‌بینی‌شدنی و پیش‌بینی‌نشده بر رفاه مردم تأثیر می‌گذارد. به‌کارگیری چنین چارچوبی همانند ابزار تحلیلی و راهنمای عملی در طراحی و اجرای سیاست‌های اجتماعی مناسب‌تر در زمینه توسعه روستایی ضروری به نظر می‌رسد. نهادینه شدن تدریجی رویکرد معیشت پایدار در دستور کار برنامه‌ریزان سازمان‌های توسعه در سراسر جهان، می‌تواند همچون پایه و مبنایی برای توسعه روستایی حامی تهیدستان مورد توجه قرار گیرد (هال و میجلی، ۱۳۸۸).

در بسیاری از پژوهش‌ها، صنایع روستایی به‌عنوان بخش اصلی معیشت افراد و خانوار قلمداد می‌شود. امروز صنعت به مثابه اصلی‌ترین ابزار در توسعه مناطق عقب‌مانده دارای نقش محوری است (اسمیت، ۲۰۰۸) صنایع کوچک راهبردی معیشتی است که ابزار لازم برای متنوع‌سازی اقتصاد روستایی را فراهم می‌آورد و از این رو، رویکردی اقتصادی به شمار می‌رود که با ایجاد اشتغال، افزایش و توزیع متعادل‌تر درآمدها، سطح زندگی روستاییان را بهبود بخشیده و زمینه دستیابی به توسعه پایدار روستایی را فراهم ساخته است (لی، ۲۰۰۷). منظور از صنایع روستایی، صنایعی است که متناسب با مناطق روستایی کشور در قالب صنایع کوچک و تبدیلی تعریف شده و مکان استقرار آن‌ها در نواحی روستایی از جمله مراکز بخش‌ها، دهستان‌ها و روستاهای اقماری باشد (شریف‌النسی، ۱۳۶۴).

بررسی نقش صنایع کوچک... ۱۴۱

متولیان صنایع روستایی در ایران برای این گونه صنایع در مناطق روستایی نقش‌هایی پرشماری قائل هستند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: اشتغال‌زایی و افزایش درآمد در مناطق روستایی؛ کاهش مهاجرت روستائیان و بهبود سطح زندگی در مناطق روستایی؛ برگرداندن ارزش افزوده تولیدات تبدیلی و فرآوری شده به روستائیان و جلوگیری از خروج مازاد اقتصادی؛ تقویت کشاورزی در مناطق روستایی و افزایش تولیدات صنعتی در این مناطق؛ ایجاد ارتباط بین صنایع کوچک با بزرگ و نیز صنایع سنتی با پیشرفته و نوین؛ مرتبطسازی صنعت با روستا و کشاورزی، کاهش هزینه‌های تولید؛ توزیع عادلانه فعالیت‌های اقتصادی در سراسر کشور (تمرکز زدایی)؛ توزیع عادلانه ثروت و توزیع متعادل جمعیت؛ ایجاد پیوند قوی بین مناطق شهری و روستایی؛ پایه‌گذاری صنعت خودکفا و مستقل و رفع بخشی از تنگناهای صنایع کشور (رادان، ۱۳۷۵). بنابراین، ایجاد صنایع روستایی از یک سو، با تمرکز زدایی از صنعت، جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها، اتکاء به نیروی کار غیر ماهر و سرمایه اندک، توسعه و ارتقای فناوری با توجه به وجود تقاضا برای محصول، ارتقای فناوری صنایع خانگی به کارگاهی و کارگاهی به کارخانه‌ای، و نیز با گسترش بازار فروش از سطح محلی به ملی، نقشی مهم در توسعه بخش صنعت ایفا خواهد کرد و از سوی دیگر، چون این صنایع در کنار کشتزارها و باغ‌ها ایجاد می‌شوند و امکان فرآوری محصولات کشاورزی در محل فراهم می‌آید، کاهش هزینه‌های حمل و نقل، جلوگیری از فساد محصولات کشاورزی تا رسیدن به بازار مصرف، حذف واسطه‌ها، کاهش نوسان‌های فصلی قیمت محصولات کشاورزی و تبدیل پسماندهای مصرفی به محصولات جدید را در پی داشته است (خزایی قوژدی، ۱۳۷۶).

از این‌رو، به نظر می‌رسد که ایجاد و گسترش مشاغل غیر کشاورزی یا وابسته به کشاورزی و فعالیتهای درآمدزا، به‌ویژه صنایع روستایی و نیز توسعه مراکز سطح پایین به‌عنوان یکی از روش‌های مهم اشتغال‌زایی در روستاها باید مورد توجه قرار گیرد. بی‌تردید اشتغال‌زایی از خروج بی‌رویه نیروی کار از روستاها و تمرکزشان در شهرها جلوگیری خواهد کرد (مهندسان مشاور دی. اچ. وی از هلند، ۱۳۷۵ و ریزوانول، ۱۹۸۷).

شهرستان‌های سیروان و چرداول، از توابع استان ایلام هستند که با وسعت ۲۲۳۶ کیلومتر مربع در شمال شرقی این استان قرار دارند. بنا بر سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰، دو شهرستان سیروان و چرداول داری ۱۷۷۶۴ خانوار با جمعیت ۷۲۱۶۷ نفر بوده که از این شعار ۲۰۹۸۹ نفر

(۲۹/۰۸ درصد) در نقاط شهری و ۵۱۱۲۸ نفر (۷۰/۸۴ درصد) در نقاط روستایی و حدود ۵۰ نفر (۷٪ درصد) غیر ساکن را تشکیل می‌دهد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

صنایع در این دو شهرستان شامل صنایع دستی، صنایع کارخانه‌ای بزرگ و صنایع کارخانه‌ای کوچک تبدیلی است. صنایع کارخانه‌ای کوچک تبدیلی دو شهرستان که در این تحقیق مورد بررسی نگارندگان قرار گرفته شامل: روغن حیوانی، برنجکوبی، بستنی ساده، کشتارگاه طیور، مرغ و گوسفند، چپیس سیب‌زمینی، پنیر پاستوریزه، بسته‌بندی حبوبات، کنسانتره، شیر پاستوریزه، گردآوری فضولات مرغداری‌ها و تولید کود مرغی، کشتارگاه گوسفند، کنسرسی (گوشتی و غیر گوشتی) و خوراک دام است. روستاهای کهره، کلی‌کلی، سراب کارزان، سرابله (روستا-شهر)، سراب کلان، هله‌سم، طاق‌گاورین، چم‌قوله، آسمان‌آباد، بیجنوند، لومار، ورگچ، باباشمس، گوراب (علیا و سفلی)، زنجیره علیا و سفلی، شباب و گدومه از جمله روستاهایی هستند که صنایع کوچک در آن‌ها مستقر است. (جهاد کشاورزی استان ایلام، ۱۳۹۴).

حال با توجه به اینکه استقرار صنایع روستایی و به‌ویژه صنایع کوچک در روستاها، برتری و سودمندی‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد و نظر به اینکه شمار شایان توجهی واحد صنایع کوچک در محدوده شهرستان‌های سیروان و چرداول استقرار پیدا کرده است، لزوم پرداختن به این موضوع ضروری به نظر می‌رسد. بنابر آمار آمار سازمان جهاد کشاورزی استان ایلام، ۵۱ واحد صنایع کوچک تبدیلی در شهرستان‌های سیروان و چرداول مشغول به فعالیت هستند (نگاه کنید به جدول ۱). بنابراین، در این تحقیق سعی شده است تا در یک بررسی موردی در پهنه جغرافیایی شهرستان‌های سیروان و چرداول از توابع استان ایلام، تأثیر این نوع از صنایع در بهبود معیشت شاغلان روستایی در بوته آزمون قرار گیرد. از این‌رو هدف اصلی این تحقیق، بررسی اثر صنایع کوچک بر بهبود معیشت خانوارهای نواحی مورد مطالعه است.

بررسی‌های موردی در باره پیامدهای استقرار صنعت در نواحی روستایی به خوبی این واقعیت را نشان می‌دهد، اشتغال‌زایی بخش غیرکشاورزی را می‌توان راهبرد مناسبی برای اشتغال روستایی دانست و در این میان صنایع روستایی برای راهکار اشتغال‌زایی و افزایش درآمد روستائیان نسبت به دیگر فعالیت‌های غیرکشاورزی سودمند است (لانجوو، ۱۹۹۷). صنایع کوچک به لحاظ توانایی بالایی که در جذب نیروی کار دارند (به علت کاربرد بودن این صنایع) منابع عمده‌ای برای کسب درآمد هستند که منجر به کاهش شکاف درآمدی در سطح روستاها شود، این بخش می‌تواند برای گروه‌های کم زمین یا بدون زمین که درآمد کشاورزی پاسخگوی نیازهایشان نیست، به‌ویژه

بررسی نقش صنایع کوچک... ۱۴۳

در دوران رکود کشاورزی (یعنی زمانی که تقاضا برای نیروی کار نسبت به فصل کاری کمتر است) ایجاد اشتغال و درآمد کند. بی‌تردید، اشتغال‌زایی این بخش از خروج نیروی کار از روستاها جلوگیری می‌کند (اسکینر، ۲۰۰۳).

مطیعی لنگرودی و اردشیری (۱۳۸۶) در مقاله‌ای پیامدهای ایجاد صنایع فراوری محصولات کشاورزی در توسعه روستایی بخش مرکزی آمل را بررسی کردند و نتایج آن گویای نقش بسیار مؤثر صنایع فراوری محصولات کشاورزی در توسعه روستایی از راه افزایش ارزش افزوده مواد خام کشاورزی، ایجاد اشتغال، گسترش فعالیت‌های کشاورزی، بازاریابی بهتر محصولات کشاورزی، کاهش ضایعات، ایجاد فرصت‌های شغلی در دیگر بخش‌های اقتصادی مانند حمل و نقل و خدمات و به‌کارگیری منابع و امکانات روستاها می‌باشد. در حقیقت باید گفت، برای توسعه پایدار در منطقه باید به راهبردی (استراتژی) همه‌جانبه و یکپارچه دست یافت، و راهبرد ایجاد و توسعه صنایع فراوری محصولات کشاورزی هر منطقه پیش نیاز توسعه پایدار در آن منطقه و اجرای آن از ضرورت‌های بدیهی است. زیربنای توسعه روستایی، کارآمدکردن اقتصاد روستایی و ایجاد اشتغال و درآمد برای همه افراد ساکن در نواحی روستایی است. این امر با متنوع‌سازی اقتصاد روستایی میسر است. در این زمینه، صنایع فراوری محصولات کشاورزی دارای کارایی مناسب‌تری نسبت به دیگر فعالیت‌ها است؛ زیرا افزون بر اینکه اشتغال و درآمد صنایع در نواحی روستایی ایجاد می‌شود، کشش بازار محصولات کشاورزی نیز به‌عنوان مواد اولیه این صنایع، از رشد مناسب‌تری برخوردار شده و بخش کشاورزی نیز رونق اقتصادی کند. در مجموع، کارایی اقتصادی از راه ترکیب فعالیت‌ها موجب رشد اقتصادی منطقه شده و رشد اقتصادی زیرساخت‌های لازم برای توسعه روستایی را فراهم می‌کند.

نصیری (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان "صنایع روستایی، عاملی تأثیرگذار بر فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاهای بومهن" با بهره‌گیری از روش‌های آماری، تأثیر صنایع روستایی بر شاخص‌های هزینه‌های کالای مصرفی، خوراک، پوشاک، و درمان در نواحی روستایی سنجیده شده و یافته‌ها گویای آن است که بین این شاخص‌ها و ایجاد صنایع رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. به‌دنبال ایجاد صنایع، الگوی مصرف دستخوش تغییر شده و در روستاهای دارای صنایع، استفاده از برخی کالاهای مصرفی مانند رایانه (۴۷/۹)، مبلمان (۱۸/۹)، ویدئو (۲۰/۱) و جاروبرقی (۲۴/۱) نسبت به روستاهای بدون صنایع بیشتر است. همچنین، در پی ایجاد صنایع، در ترکیب سنی و جنسی جمعیت این دو گروه از روستاها تغییرهای عمده‌ای پدید آمده است. نتایج همچنین نشان

می‌دهد، با ایجاد و بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان، مشارکت مالی در روستاهای دارای صنایع ۷۹/۸ درصد در برابر ۲۶/۶ درصد در روستاهای بدون صنایع بوده که گویای تفاوتی آشکار است. ایجاد صنایع در روستاها بر میزان استفاده از خدمات بیمه‌ای نیز تأثیر گذاشته است، به طوری که در روستاهای دارای صنایع، ۷۲/۱ درصد از خانوارها از خدمات بیمه‌ای استفاده کرده‌اند، در حالی که تنها ۸ درصد از خانوارها در روستاهای بدون صنایع زیر پوشش بیمه بوده‌اند. افزون بر این، با افزایش میزان درآمد روستاییان، حتی کیفیت و کمیت مسکن روستایی در دو جامعه نمونه بسیار متفاوت شده است به گونه‌ای که در روستاهای دارای صنایع، ۸۵/۲ درصد از ساختمان‌ها دارای مصالح مرغوب و ۸۹/۸ درصد دارای مساحتی بیش از ۱۰۰ متر مربع بوده در حالی که در روستاهای بدون صنایع، این نسبت‌ها به ترتیب ۴۹/۳ درصد و ۴۲/۱ درصد بوده است.

شایان و شاهی اردبیلی (۱۳۸۶) در پژوهشی به بررسی نقش صنایع روستایی در توزیع بهینه درآمد، در بخش مرکزی شهرستان مشهد پرداخته‌اند که نتایج نشان می‌دهد صنایع روستایی با ایجاد فرصت‌های شغلی، در ایجاد درآمد برای اقشار کم درآمد روستایی تأثیرگذارند؛ به علاوه، مقایسه ابعاد گوناگون درآمد شاغلان صنعتی و غیر صنعتی در روستاهای نمونه گویای توزیع مطلوب‌تر درآمد و کاهش فاصله طبقاتی در بین شاغلان صنعتی است. سطح رضایتمندی از درآمد نیز شاخصی مؤثر برای شناسایی تأثیر صنایع روستایی بر توزیع درآمد است، لذا رضایتمندی شاغلان واحدهای صنعتی نه تنها نسبت به گذشته، بلکه نسبت به شاغلان غیرصنعتی نیز از سطح بالاتری برخوردار است. همچنین، صنایع روستایی با جذب نیروی کار مازاد و نیز گروه‌های کم درآمد و تهیدست روستایی باعث ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد و همگنی درآمد در سطح جامعه روستایی شده است و گامی مؤثر و سودمند برای بهبود توزیع درآمدهای روستایی بوده است. از آنجایی که هدف جریان‌های توسعه، توانمندسازی تهیدستان و گروه‌های محروم و در کل حل ریشه‌ای مسئله تهی‌دستی با زمینه‌سازی برای تولید عادلانه درآمد است، لذا صنایع روستایی با ایجاد اشتغال پایدار در کاهش شکاف درآمدی موجود در نواحی روستایی نقش مؤثر و سودمندی دارد که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باید بیش از پیش به آن توجه کنند. نادری مهدیی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر صنایع تبدیلی کشاورزی بر وضعیت زندگی روستاهای شهرستان بهار پرداخته است که بنابر نتایج تحقیق، وضعیت امکانات رفاهی در روستاهای دارای صنایع تبدیلی به صورت معنی‌داری از روستاهای بدون صنایع تبدیلی بهتر بوده است. افزون بر این، صنایع تبدیلی کشاورزی منجر به تفاوت معنی‌دار کیفیت زندگی در بین دو

بررسی نقش صنایع کوچک... ۱۴۵

گروه روستاها شده است، به طوری که سطح کیفیت زندگی با استقرار صنایع تبدیلی بالاتر رفته است. همچنین، نتایج تحقیق گویای معنی دار بودن تأثیر استقرار صنایع تبدیلی بر وضعیت درآمد می باشد. استقرار صنایع تبدیلی در روستا تا حدودی منجر به رونق بهتر بخش کشاورزی و تولید محصولات بیشتری شده و همچنین با استقرار صنایع تبدیلی در روستاها بسیاری از روستائیان از تولید به صورت سنتی به سمت تولید بیشتر به شیوه‌ای همسان صنایع تبدیلی گرایش یافته‌اند و همین مسئله منجر به بهبود وضعیت درآمد و رفاه‌شان شده است.

اسریواستوا (۱۹۸۹) در پژوهشی با عنوان صنایع فرآوری کشاورزی، ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و تکلیف پیش‌رو، به این نتیجه رسیده است که صنایع کشاورزی پیوند مستحکم صنعت-کشاورزی را فراهم می‌کنند که این مسئله به تسریع توسعه کشاورزی به واسطه ایجاد پیوند پیشین (تدارک سرمایه، نهاده‌ها و دیگر خدمات افزایش تولید) و پیوند پسین (فرآوری و بازاریابی)، به افزایش ارزش تولید کشاورزی، به ایجاد فرصت‌های اشتغال و افزایش درآمد خالص کشاورزان کمک می‌کند. مالین (۲۰۰۸) در بررسی رابطه بین اصلاح ساختار صنعتی در مناطق روستایی و رشد درآمد ساکنان روستایی از منظر ساختار صنایع اول، دوم و سوم، بررسی موردی استان جیانگ سو در چین پرداخته است که نتایج تحقیق نشان می‌دهد اصلاح ساختار صنعتی روستایی نقش شایان توجهی در رشد درآمد ساکنان روستایی بازی می‌کند و علت اصلی رشد درآمد ساکنان روستایی و بهبود رفاه آنان به شمار می‌آید.

جمع بندی نتایج بررسی‌های گذشته داخلی و خارجی در زمینه موضوع نقش صنایع کوچک بر بهبود معیشت خانوارهای روستایی بیانگر نقش بسیار مؤثر این نوع صنایع در بالا رفتن سطح معیشت و کیفیت زندگی و رشد اقتصاد روستایی و کاهش تهی‌دست روستایی از راه افزایش ارزش افزوده مواد خام کشاورزی، ایجاد اشتغال، گسترش فعالیت‌های کشاورزی، بازاریابی بهتر محصولات کشاورزی، کاهش ضایعات، متنوع‌سازی اقتصاد روستایی، دسترسی به مواد اولیه ساده و ارزان، پرکردن اوقات فراغت و بیکاری روستائیان، جلوگیری از مهاجرت‌های گسترده فصلی، افزایش و توزیع مطلوب‌تر درآمد و کاهش فاصله طبقاتی، بهبود آموزش، سلامت و امنیت غذایی، کسب اطلاعات، کاهش آسیب‌پذیری و کسب منزلت انسانی است و استفاده از راهبرد ایجاد و توسعه صنایع کوچک روستایی به عنوان یک راهبرد مهم و همه جانبه و یکپارچه پیش نیاز معیشت و توسعه پایدار در مناطق روستایی است.

روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی و از نظر روش از نوع توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای است. در این بررسی، متغیر مستقل صنایع کوچک روستایی و متغیر وابسته سرمایه‌های معیشتی خانوارهای روستایی است که مشتمل بر پنج نوع سرمایه است. این پژوهش در صدد آزمایش این فرضیه است که به نظر می‌رسد، بین استقرار صنایع کوچک و بهبود سرمایه‌های معیشتی خانوارهای روستایی شهرستان‌های سیروان و چرداول رابطه معنی‌داری وجود دارد. در این تحقیق از دو نوع حجم نمونه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش در مرحله اول شامل همه شاغلان در واحدهای صنایع کوچک به بهره‌برداری رسیده مستقر در شهرستان‌های سیروان و چرداول است که شمارشان ۳۷۳ نفر بوده است که با استفاده از فرمول کوکران، در نهایت ۱۸۹ نفر به‌عنوان حجم نمونه جهت پاسخگویی به پرسشنامه ویژه آزمون مقایسه "دو دوره زمانی پیش و پس از اشتغال" انتخاب شد و در مرحله دوم جامعه آماری شامل خانوارهای روستایی است که صنایع کوچک در آن مستقر است که شمار ۱۰۱۵۵ خانوار است که باز با استفاده از فرمول کوکران، در نهایت ۳۷۶ سرپرست خانوار به‌عنوان حجم نمونه برای پاسخگویی به پرسشنامه ویژه آزمون مقایسه "شاغلان و غیر شاغلان" انتخاب شد. روش گردآوری داده‌ها با استفاده از روش میدانی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه، مصاحبه و اسنادی بوده است. داده‌های با استفاده از آزمون t، مان ویتنی و ویلکاکسون در نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل و مقایسه قرار گرفته است و جدول آن استخراج شده است (جدول ۱).

جدول (۱) ویژگی‌های صنایع کوچک تکمیلی و تبدیلی مستقر در شهرستانهای سیروان و چرداول

شمار شاغلین	سرمایه ثابت (میلیون ریال)	تولید واقعی (واحد به تن)	شمار واحدهای صنعتی	روستاها یا محدوده‌های شهری	نام صنعت
۷	۳۵۴۰	۱۰۰	۱	هلیلان	روغن حیوانی
۷۵	۲۸۵۰۲	۱۰۲۰۰	۱	کلی‌کلی	کشتارگاه طیور
۹	۲۵۶	۲۵۰	۱	محمدقلی	پنیر پاستوریزه
۲۶	۴۹۳۹	۲۶۲۶۸	۱	مرکزی	کنسانتره
۱۹	۹۴۷	۱۲۷۶۸	۴	مرکزی و شباب	خوراک آماده دام
۱۱	۱۷۳۵	۳۰۰	۱	شباب	کنسرسی
۹	۳۶۳۵	۱۰۰۰	۱	شباب	بسته بندی حبوبات

بررسی نقش صنایع کوچک... ۱۴۷

ادامه جدول (۱) ویژگی‌های صنایع کوچک تکمیلی و تبدیلی مستقر در شهرستانهای سیروان و چرداول

۱۴	۵۲۸۴	۱۱۱۷۰	۱	شباب	شیر پاستوریزه
۹	۳۲۵۰	۶۰۰۰	۱	شباب	کودال فضولات مرغداری‌ها
۱۸	۱۸۸۵۶	۶۰۰۰	۱	سراب	بستنی ساده
۴۳	۱۷۸۷۰	۷۷۷۶	۱	سراب	کشتارگاه مرغ
۱۵	۷۸۸۷	۵۰۰۰	۱	سراب	چیپس سیب زمینی
۴۴	۲۳۵۷۳	۱۲۰۰	۱	سرابله	کشتارگاه گوسفند
۹۰	۵۶۶۱	۱۰۳۰	۳۶	۱۸ روستا یا محدوده شهری ^۱	برنجکوبی
۳۷۴	۱۲۵۴۲۲	۸۱۶۷۴	۵۱	جمع	

منبع: جهاد کشاورزی استان ایلام، ۱۳۹۴.

در پرسشنامه از طیف لیکرت برای سنجش متغیرهای پژوهش استفاده شده و برای روایی پرسشنامه از استادان و کارشناسان نظرخواهی و سپس برای پایایی پرسشنامه‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شد که نتیجه آن ۰/۷۵۰ است. شاخص‌ها، نشانگرها، و شمار گویه‌های مورد استفاده در جدول (۲) درج شده است. افزون بر این، در شکل (۱)، مدل مفهومی تحقیق نشان داده شده است:

جدول (۲) متغیرها، شاخصها، و شمار گویه‌های تحقیق

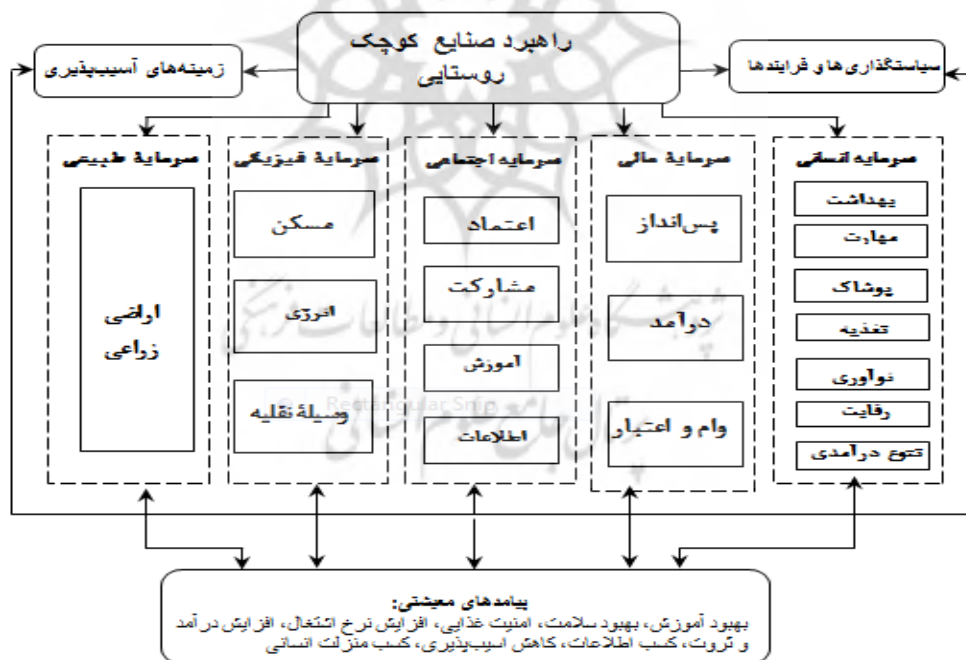
متغیرها	شاخص‌ها	گویه‌ها
بهداشت	امکان تامین هزینه های بهداشتی، دسترسی به توالیت بهداشتی، برخورداری از آب آشامیدنی سالم	بهداشت
سرمایه انسانی	پوشاک	توانایی خرید پوشاک، سطح رضایت از پوشاک، توانایی داشتن پوشاک فصلی
	تغذیه	توانایی تأمین تغذیه، کمیّت و کیفیت تغذیه، سطح رضایت از تغذیه
نوآوری	توان نوآوری شغلی، توانایی دسترسی به نوآوری‌ها، سطح آگاهی از تأثیر صنایع روستایی بر نوآوری	

۱. سرابله، سراب کلان، حلسم، مامنه، طاق گاورین، چم‌قوله، بیجنوند، آسمان‌آباد، لومار، شیروان، مرکزی، ورگج، باباشمس، گوراب، زنجیره، شباب، گدمه

ادامه جدول (۲) متغیرها، شاخصها، و شمار گویه‌های تحقیق

متغیرها	شاخصها	گویه‌ها
سرمايه مالي	رقابت	توان رقابت شغلي، توان رقابت در توليد، توان بازاریابی
	تنوع درآمدی	توانایی متنوع کردن منابع درآمدی
	پس انداز	توانایی داشتن پس انداز، سطح رضایت از میزان پس انداز
سرمايه اجتماعي	درآمد	توان درآمدی، رضایت از میزان درآمد
	وام و اعتبار	دسترسی به وام، توان بازپرداخت وام، استفاده از وام در مشاغل زودبازده
	اعتماد	سطح جلب اعتماد دیگران، تمایل برای کمک مالی به دیگران
سرمايه فیزیکی	مشارکت	مشارکت مالی، مشارکت عمرانی، مشارکت در امور خیریه، مشارکت آموزشی، مشارکت آموزش
	اطلاعات	سطح رضایت از مدارس، توانایی تأمین هزینه‌های آموزشی
	مسکن	آگاهی از اخبار، سطح استفاده از رسانه‌ها، سطح رضایت از دسترسی به اطلاعات
سرمايه طبيعي	دسترسی به انرژی	داشتن مسکن مقاوم، سطح رضایت از مسکن
	وسایل نقلیه	سطح دسترسی به انرژی، سطح رضایت از دسترسی به انرژی
	اراضي زراعي	دسترسی به وسيله نقلیه
سرمايه کلي	۱۸ شاخص	۴۳

منبع: مطیعی و همکاران، ۱۳۹۰؛ سلمانی و همکاران، ۱۳۹۰ و مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۵.



شکل (۱) الگوی مفهومی تحقیق

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵.

یافته‌ها و بحث

در این قسمت به ارائه یافته‌های تحقیق در مورد مقایسه پنج سرمایه معیشتی خانوارهای شاغل در صنایع کوچک در "دو دوره زمانی پیش و پس از اشتغال" و نیز مقایسه بین سرمایه "شاغلان و غیر شاغلان" در بخش صنایع کوچک در روستای شهرستان‌های سیروان و چرداول پرداخته می‌شود.

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که در طیف لیکرت (مقیاس ۵ نمره‌ای) (به‌غیر از سرمایه طبیعی که معنی‌دار نیست) دیگر سرمایه‌ها اعم از سرمایه انسانی، مالی، اجتماعی، فیزیکی و کلی در دوره پس از اشتغال در واحدهای صنعتی بالاتر از دوره پیش از اشتغال است. این تفاوت‌ها، بنا بر آزمون t، برای نمونه‌های ناهمبسته در سطح یک درصد خطا معنی‌دار است (جدول ۳).

جدول (۳) آزمون مقایسه سرمایه شاغلان در صنایع کوچک در دوره زمانی پیش و پس از اشتغال

شاخص‌ها	دوره زمانی	N	میانگین	انحراف معیار	T	DF	سطح معناداری
سرمایه انسانی	پیش از اشتغال	۱۸۹	۱/۷۱	۱/۲۹	-۱۳/۷۴۷	۳۷۶	۰/۰۰۰
	پس از اشتغال	۱۸۹	۳/۵۶	۱/۳۱			
سرمایه مالی	پیش از اشتغال	۱۸۹	۱/۳۹	۱/۰۰	-۱۹/۹۲۵	۳۷۶	۰/۰۰۰
	پس از اشتغال	۱۸۹	۳/۸۱	۱/۳۳			
سرمایه اجتماعی	پیش از اشتغال	۱۸۹	۲/۳۲	۱/۷۷	-۱۳/۲۵	۳۷۶	۰/۰۰۰
	پس از اشتغال	۱۸۹	۴/۳۴	۱/۱۰			
سرمایه فیزیکی	پیش از اشتغال	۱۸۹	۲/۲۸	۱/۷۰	-۹/۱۲	۳۷۶	۰/۰۰۰
	پس از اشتغال	۱۸۹	۳/۸۰	۱/۵۳			
سرمایه طبیعی	پیش از اشتغال	۱۸۹	۲/۳۲	۱/۷۷	-۱/۲۲	۳۷۶	۰/۲۲۳
	پس از اشتغال	۱۸۹	۲/۵۵	۱/۸۴			
سرمایه کلی	پیش از اشتغال	۱۸۹	۲/۰۵	۱/۶۱	-۹/۱۵	۳۷۶	۰/۰۰۰
	پس از اشتغال	۱۸۹	۳/۶۱	۱/۶۱			

منبع: یافته‌های تحقیق

از جهتی، برای اطمینان و اعتماد افزون‌تر، مقایسه دیگری بین "شاغلان و غیر شاغلان" در صنایع کوچک با استفاده از آزمون نافرسانجه‌ای مان‌ویتنی و ویلکاکسون به‌عمل آمده که به نوعی تأیید کننده نتایج بالا بوده و نشان دهنده بالا بودن میزان سرمایه شاغلان در صنایع کوچک نسبت به غیر شاغلان روستایی (به‌غیر از سرمایه طبیعی) است (جدول ۴).

جدول (۴) آزمون مقایسه سرمایه‌ها بین شاغلان و غیر شاغلان در صنایع کوچک

شاخص‌ها	گروه	N	میانگین	انحراف معیار	Mann-Whitney U	Wilcoxon W	Z	سطح معناداری
سرمایه انسانی	*	۳۷۶	۲۱۸/۸۸	۸۹۲۹۸/۵	۱۱۴۲۲/۵۰۰	۸۲۲۹۸/۵۰۰	-۱۳/۷۳۲	۰/۰۰۰
	**	۱۸۹	۴۱۰/۵۶	۷۷۵۹۶/۵				
سرمایه مالی	*	۳۷۶	۲۰۶/۸۲	۷۷۶۶/۰۰	۶۸۹۰/۰۰۰	۷۷۷۶۶/۰۰۰	-۱۶/۶۸۱	۰/۰۰۰
	**	۱۸۹	۴۳۴/۵۴	۷۷۶۶/۰۰				
سرمایه اجتماعی	*	۳۷۶	۲۳۳/۸۷	۸۷۹۳۶/۰۰	۱/۷۰۶ E۴	۸/۷۹۴ E۴	-۱۰/۹۱۱	۰/۰۰۰
	**	۱۸۹	۳۸۰/۷۴	۷۱۹۵۹/۰				
سرمایه فیزیکی	*	۳۷۶	۲۴۴/۵۱	۲۴۴/۵۱	۲/۱۰۶ E۴	۹/۱۹۳ E۴	-۸/۳۸۲	۰/۰۰۰
	**	۱۸۹	۳۵۹/۵۸	۳۵۹/۵۸				
سرمایه طبیعی	*	۳۷۶	۲۷۶/۱۹	۱۰۳۸۴۷/۵	۳/۲۹۷ E۴	۱/۰۳۸ E۴	-۱/۴۵۶	۰/۱۴۵
	**	۱۸۹	۲۹۶/۵۵	۵۶۰۴۷/۵				
سرمایه کلی	*	۳۷۶	۲۳۷/۰۳	۸۹۱۲۳/۰	۱/۸۲۵ E۴	۸/۹۱۲ E۴	-۱۰/۲۲۸	۰/۰۰۰
	**	۱۸۹	۳۷۴/۴۶	۷۰۷۷۲/۰۰				

منبع: یافته‌های تحقیق (* و **، به ترتیب غیرشاغلان، شاغلان)

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این پژوهش، به ارزیابی عملکرد صنایع کوچک در معیشت پایدار روستایی پرداخته شد. نتایج آزمون آماری t و آزمون (نافراسنجه‌ای) مان ویتنی و ویلکاکسون نشان می‌دهند رابطه نزدیکی بین رویکرد معیشتی با استقرار صنایع کوچک وجود دارد و استقرار صنایع کوچک وابسته به کشاورزی در روستاها (به غیر از شاخص‌های مولفه سرمایه طبیعی که تفاوت معنادار نیست) در همه شاخص‌های مولفه‌ها اعم از سرمایه‌های انسانی، مالی، اجتماعی و فیزیکی در "دو دوره زمانی پیش و پس از اشتغال" و همچنین مقایسه بین سرمایه "شاغلان با غیر شاغلان" تفاوت معناداری مثبتی را نشان می‌دهند. مهم‌ترین پیامدهایی که استقرار صنایع کوچک در محدوده مورد بررسی را به ارمغان آورده، می‌توان به بالا رفتن سطح بهداشت، مهارت، پوشاک، تغذیه، نوآوری، رقابت و تنوع منابع درآمدی، میزان پس انداز، درآمد، وام و اعتبارات و همچنین دسترسی و رضایت افزون‌تر

بررسی نقش صنایع کوچک... ۱۵۱

از مسکن مقاوم، انرژی و وسیله نقلیه و در نهایت بالا رفتن انگیزه مشارکت خانوار در کارهای گروهی و همبستگی اجتماعی اشاره کرد که روستائیان شاغل در این بخش بدان دست یافته‌اند. نتایج این تحقیق، همسویی شایان توجهی را با نتایج تحقیقات تا حدودی همسان که در زمینه تأثیر استقرار صنعت در نواحی روستایی انجام گرفته را دارد. به‌عنوان مثال، پژوهشی که نسرین عزیزیان (۱۳۹۱) در بررسی نقش صنایع دستی در معیشت پایدار خانوار روستایی انجام داده است به نتایجی همچون ایجاد اشتغال مولد و درآمد؛ ایجاد درآمد مکمل برای خانوارهای روستایی در فاصله زمانی بین کاشت، داشت و برداشت محصول و نیز در اوقات فراغت از فعالیت‌های کشاورزی، جلوگیری از مهاجرت بی رویه به شهر، تقویت خلاقیت فردی و در نهایت توسعه صادرات غیر نفتی دست یافته است. در تحقیق همسانی با عنوان نقش نواحی صنعتی در توسعه روستایی که توسط مهدی طاهرخانی (۱۳۸۰) به‌عمل آمده، هر چند نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ایجاد فرصت‌های شغلی برای روستائیان به‌علت اینکه اغلب شاغلان واحدهای صنعتی را ساکنان مناطق شهری تشکیل می‌دهد موفقیت‌آمیز نبوده است اما بررسی شاخص‌های توسعه نزد شاغلان نواحی صنعتی و ساکن در نواحی روستایی در دو دوره پیش و پس از اشتغال، بیانگر وجود تفاوت معنادار در الگوی مصرف مواد و استفاده از کالاهای مصرفی بادوام است. همچنین مالکیت خصوصی مسکن، بیمه و تأمین اجتماعی، مشارکت‌های روستایی و ضریب امنیت شغلی در دوره پیش و پس از اشتغال دارای تفاوت معناداری بوده‌اند. تحقیقی که توسط سید حسن مطیعی لنگرودی و دیگران (۱۳۸۴) با عنوان جایگاه صنایع در فرایند صنعتی‌سازی و توسعه روستایی در بخش مرکزی شهرستان بیرجند به‌عمل آمده نتیجه‌گیری شده که ارزیابی شاخص‌های کمی و کیفی توسعه گویای موفقیت نسبی صنایع روستایی به‌ویژه قالببافی و پیوند عمیق آن با زندگی روستایی است که در جذب نیروی کار مازاد، پر کردن اوقات فراغت و بهبود درآمد روستائیان اهمیت دارد ضمن دارا بودن نقشی پر اهمیت در اقتصاد روستایی به تنهایی قادر به رقابت با هر یک از بخش‌های اقتصادی ناحیه نیز می‌باشد.

با توجه به پرسش تحقیق، مبانی نظری، مصاحبه‌های میدانی، یافته‌ها و نتیجه‌گیری، می‌توان پیشنهادهای زیر را مطرح کرد:

- مصاحبه‌هایی که با روستائیان به‌عمل آمد اظهار می‌کردند که برای دریافت پروانه جهت راه‌اندازی واحدهای صنایع روستایی و نیز خدمات‌دهی پس از آن با مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اند. ضروری است از حاکمیت (دیوانسالاری) در این فرایند کاسته شود و بانک‌های عامل را موظف

کنند که به ازای پرداخت تسهیلات به کشاورزان و روستاییان، اسناد مربوط به اراضی کشاورزان و اسناد عادی اراضی محل اجرای طرح های کشاورزی و صنایع وابسته به آن و اسناد خانه‌سراهای روستایی را به‌عنوان وثیقه وام‌های بخش کشاورزی و وام‌های پرداختی به روستاییان پذیرش قرار کنند.

- بعضی از محصولات کشاورزی مانند گوجه‌فرنگی محلی، مرغوبیت و کمیت منحصر به فردی نسبت به استان و حتی کشور دارند و به میزان بیشتری از مصرف محلی تولید می‌شود، شایسته است این گونه محصولات منحصر به فرد شناسایی شده و صنایع تبدیلی وابسته به آن (مانند کارخانه رب گوجه‌فرنگی و ...) در سطح شهرستان سیروان ایجاد شود که می‌تواند سطح اشتغال‌زایی بالا و نیز بهره‌دهی بیشتری برای ناحیه به بار آورد.

- مصاحبه‌میدانی با مردم روستایی گویای آن بود که درصد شایان توجهی از جمعیت شاغل روستایی در بخش قالبیافی مشغول هستند که به صورت خود جوش و بدون نظارت دولت و بدون دریافت هر وام یا اعتباری دارای کارگاه‌های سنتی در خانه‌سراهای خود هستند و توانسته‌اند فرصت‌های شغلی و درآمدی مهمی به‌وجود آورند و جمعیت مازاد نیروی کار به‌ویژه زنان روستایی را جذب کنند. تأکید بر این است که دولت بر این کارگاه‌ها نظارت داشته و شرایطی فراهم کند تا روستائیان داوطلب به‌ویژه زنان روستایی بتوانند از اعتبارات بانکی و پشتوانه‌های دولتی برای بهبود و گسترش این صنایع در سطح ناحیه استفاده نمایند.

- حمایت‌های دولتی افزون‌تر از وضعیت کنونی در چارچوب وام‌های بلند مدت و با بهره کم همچنین سرمایه‌گذاری و اختصاص بودجه بیشتر برای تأسیس واحدهای کوچک صنایع روستایی ضروری است.

- با توجه به گفته روستائیان، وجود سه کشتارگاه طیور، مرغ و گوسفند برای کل دو شهرستان چندان پاسخگو نبوده و از جهتی این سه صنعت سطح اشتغال‌زایی و بازده بالایی دارند، لذا ضرورت دارد بیشتر مورد توجه قرار گیرند.

- شماری از واحدهای نیمه تکمیل در ناحیه مورد بررسی وجود دارند که لازم است این واحدها، تکمیل یا به بهره‌برداری برسند، زیرا در وضعیت کنونی که نیاز مردم به صنایع کوچک بسیار بیشتر از ظرفیت کنونی است، شایسته نیست که این صنایع به حال خود رها شده و از چرخه تولید خارج شوند.

بررسی نقش صنایع کوچک... ۱۵۳

- مشاهده شده است که دلیل نیمه کاره ماندن بعضی از واحدهای صنعتی در ناحیه مورد بررسی (مشکلی اساسی) این است که بنا بر شواهدی، بعضی از افراد شهری و غیر ساکن و یا حتی ساکن شهرستان، برای استفاده از وام مختص به این واحدها برای اموری دیگر اقدام به درخواست پروانه راه اندازی واحد صنعتی کرده و پس از دریافت وام از ادامه کار و تکمیل واحد صنعتی خودداری می کنند، لازم است این واحدها شناسایی و با صاحبان آنها برخورد قانونی شود و از این پس نیز بر فرایند دریافت وام و چگونگی دادن پروانه به افراد متقاضی، نظارت و دقت بیشتری اعمال شود.

منابع

- خزایی قوژدی، ع. (۱۳۷۶). صنایع روستایی، تحولات و توسعه. فصلنامه روستا و توسعه، ۲: ۱۱۸-۱۰۱. رادان، م. (۱۳۷۵). ارزشیابی طرح ایجاد نواحی صنعتی در مناطق روستایی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جامعه شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- سلمانی، م. و همکاران. (۱۳۹۰). تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان (مطالعه موردی: شهرستان آق قلا). مجله پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۴۳، شماره ۷۷: ۱۲۷-۱۱۱. شایان، ح. و شاهی اردبیلی، ح. (۱۳۸۶). نقش صنایع روستایی در توزیع بهینه درآمد: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان مشهد، فصلنامه روستا و توسعه، دوره ۱۰، شماره ۲: ۲۰۶-۱۹۱. شریف النسیبی، م. (۱۳۶۴). جایگاه صنعت در برنامه ریزی رشد و توسعه مناطق روستایی کشور. تهران، وزارت جهاد کشاورزی.
- طاهرخانی، م. (۱۳۸۰). نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی (مطالعه موردی: نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی). فصلنامه پژوهش های جغرافیایی، ۴۰: ۵۶-۴۲.
- عزیزیان، ن. (۱۳۹۱). بررسی نقش صنایع دستی در معیشت پایدار خانوار روستایی. مجموعه مقالات نخستین همایش علمی تخصصی توسعه روستایی و توسعه کشاورزی با تأکید بر تولید ملی، دانشگاه پیام نور.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). نتایج سرشماری نفوس و مسکن کشور، شناسنامه آبادیها، قابل دسترس در سایت اینترنتی: <http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=1042>
- مشیری س. و همکاران. (۱۳۸۳). ضرورت تحوّل در کارکرد اقتصادی نواحی روستایی (مطالعه موردی: بخش خورگام شهرستان رودبار). مجله پژوهش های جغرافیایی. دوره ۳۶. ۵۰: ۱۶۱-۱۴۳.
- مطیعی لنگرودی، س. و اردشیری، ع. (۱۳۸۶). پیامدهای ایجاد صنایع فراوری محصولات کشاورزی در توسعه روستایی بخش مرکزی آمل. مجله پژوهش های جغرافیایی، دوره ۳۹، ۹: ۱۵-۱.

مطیعی لنگرودی، س. و مرادی، م. (۱۳۸۴). جایگاه صنایع در فرایند صنعتی سازی و توسعه روستایی بخش مرکزی شهرستان بیرجند، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۸ شماره ۱۵۳: ۱۴۹-۱۳۷. مطیعی لنگرودی، س. و همکاران. (۱۳۹۰). تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان (مطالعه موردی: شهرستان آق قلا). مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۳۹، شماره ۷۸: ۸۳-۶۷.

مهندسان مشاور DHV از هلند. (۱۳۷۵). رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی. جهاد سازندگی. سلسله انتشارات روستا و توسعه، ۲۳: ۲۹-۱۷.

نرداری مهدی، ک. و همکاران. (۱۳۹۳). تأثیر صنایع تبدیلی کشاورزی بر وضعیت زندگی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان بهار)، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، جلد ۱، شماره ۴: ۵۹-۴۳. نصیری، ا. (۱۳۸۷). صنایع روستایی، عاملی تأثیرگذار بر فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی. فصلنامه روستا و توسعه، ۱: ۸۵ - ۳۵.

وزارت جهاد کشاورزی. (۱۳۹۴). اداره جهاد کشاورزی استان ایلام.

هال آ. و میجلی، ج. (۱۳۸۸). سیاست اجتماعی و توسعه. ترجمه مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان: ۱۷۷-۱۷۶.

CHF. (2005). Sustainable Livelihoods Approach Guidelines, Partners in Rural Development. Chapel. Ottawa. Canada .

Lanjouw, P. (1997). Rural Non° Agricultural Employment and Poverty in Latin America: Evidence from Ecuador and El Salvador. Washington DC: World Bank.

Lee, S. (2007). Diversification of the Rural Economy: A Case Study on Rural Industrialization in the Republic of Korea. Pyongyang: INSES .

Malin, Y. (2008). Empirical Research on Relationship between Industrial Structure Adjustment in Rural Areas and the Growth of Rural Residents' Income: Take Jiangshu Province as Example . Available at: http://en.cnki.com.cn/Article_en/CJFDTOTAL-TJJY200809006.htm.

Rizwanul, I. (1987). Rural Industrialization and Employment in Asia: Issues and evidence. New Delhi: ILO.

Skinner, N. M.; Alum, E. J. and Kuhn, R.G. (2003). "Social and environmental regulation in rural china". Geoforum. vol. 34. no.2.

Smith R. (2008). Industry Cluster Analysis. Melbourne: Blackwell.

Srivastava, U.K. (1989). Agro-Processing Industries: Potential, Constraints and Task Ahead, research Division of the Federal Reserve Bank of St. Louis.

بررسی نقش صنایع کوچک... ۱۵۵

Thieme S. (2006). social Networks and Migration, Far West Nepalese Labour Migrants in Delhi, Department of Geography, University of Zurich. Winter, 190, 8057 Zurich, Switzerland.

